

## یک نکته تاریخی در شعر خاقانی

مصطفی موسوی\*

### چکیده

خاقانی در شعر خود لااقل در پنج موضع اشاره کرده‌است که کسانی حرمت بیت‌المقدس را نادیده گرفته‌اند و قطار خوکان را به این مکان مقدس آورده‌اند. این موضوع در منشآت خاقانی، دیوان سوزنی سمرقندی و غزلیات شمس نیز منعکس شده‌است. شارحان آثار خاقانی در توضیح این ابیات موضوعات مختلفی طرح کرده‌اند که بیش از آن‌که مبتنی بر اسناد و مدارک باشد بر حدس و گمان استوار است. حدس‌هایی که با واقعیات نسبتی ندارد و معقول هم به نظر نمی‌رسد. در این مقاله نظر شارحان یادشده نقد شده‌است و نهایتاً با استناد به اسناد قابل اعتنا، این اتفاق تاریخی مربوط به حمله نبوکدنصر یا همان بخت‌النصر به بیت‌المقدس دانسته شده‌است.

**کلیدواژه‌ها:** بیت‌المقدس، خاقانی، قطار خوک، نبوکدنصر/بخت‌النصر.

### ۱. مقدمه

ادبیات گذشته ما خصوصاً شعر، حاوی معارف بشری اعم از علوم و فنون رایج روزگار، آداب و رسوم، سنت‌های آیینی، حوادث طبیعی، تاریخی و اجتماعی بوده‌است. پاره‌ای از موارد یادشده، در متون ادبی به‌طور واضح مطرح شده‌اند و از پاره‌ای دیگر به اشاره و تلمیح یاد شده‌است. بدیهی است که فهم درست و دقیق متون کهن و منظور نویسنده و شاعر در گرو شناختن درست و دقیق مواردی است که در متن به اشاره از آن‌ها یاد شده‌است. فاصله‌ای که ما امروز از زمان تألیف متون کهن داریم، جابه‌جایی اقوام، جنگ‌ها و حوادث طبیعی، تغییر دین و مذهب مردمان نواحی مختلف در طول تاریخ و نهایتاً تغییر سبک

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، mmusavi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۵

زندگی، سبب شده است که بسیاری از اشارات شاعران فارسی‌زبان برای خوانندگان امروزی نامفهوم یا مبهم باشد. امروزه یکی از وظایف پژوهشگران حوزه زبان و ادبیات فارسی روشن ساختن این گونه مجهولات و رفع ابهام‌های موجود در متون است. بسیاری از این رفع ابهام‌ها با دقت در کل متن مورد بررسی و نیز دیگر آثار نویسنده و شاعر حاصل می‌شود و برخی دیگر با مراجعه به آثار دیگران خصوصاً در آثار پیش از دوره مورد بحث. در شرح متون غالباً شارحان به شروح پیش از خود مراجعه می‌کنند و این کار گاهی موجب گمراهی‌ها می‌شود. اعتماد به شروح و نیز متون، بدون دقت در مفهوم عبارات و جملات، گاه سبب می‌شود اطلاع و تحلیل نادرستی، درست پنداشته شود و براساس آن تحلیل‌های نادرست دیگری صورت پذیرد و کمتر کسی در اصل آن‌ها شک کند.

در میان آثار شاعران پارسی‌گوی، شعر خاقانی به دلیل رویکرد خاص شاعر در بیان پیچیده، بیش از دیگر شاعران نیاز به شرح و توضیح دارد و افراد زیادی نیز به این مهم پرداخته‌اند. خوشبختانه مقالات قابل‌اعتنایی نیز در حل مشکلات شعر خاقانی در دهه‌های اخیر منتشر شده است. در مقاله حاضر نیز سعی شده است با تکیه بر متون، یکی از مشکلات شعر خاقانی حل شود.

در بیت سیزدهم نخستین قصیده دیوان خاقانی آمده است:

با قطار خوک در بیت‌المقدس پا منه      با سپاه پیل بر درگاه بیت‌الله میا

(خاقانی، ۱۳۵۷: ۲)

مضمون مصراع نخست در چند جای دیگر دیوان تکرار شده و در شعر سوزنی سمرقندی و در غزلیات شمس نیز دیده می‌شود. با توجه به قرائن و شواهد به نظر می‌آید که این شاعران این موضوع را واقعه‌ای تاریخی می‌پنداشتند. در بیت بالا، مصراع دوم که به لشکرکشی ابرهه به خانه خدا اشاره دارد این امر را القا می‌کند که در واقعه‌ای تاریخی، قطار خوک به بیت‌المقدس برده باشند. خاقانی در قصیده‌ای دیگر با مطلع

از سر زلف تو بوئی سر به مهر آمد به ما      جان به استقبال شد کای مهد جان‌ها تا کجا

(همان: ۲۵)

جای دو مصراع بیت مذکور را با هم عوض کرده است:

خود سپاه پیل در بیت‌الحرم گو پی منه      خود قطار خوک در بیت‌المقدس گو میا

(همان: ۲۹)

چنان که ملاحظه می‌شود در دو بیت یاد شده، خاقانی آوردن قطار خوک به بیت‌المقدس را نوعی لشکرکشی و همانند لشکرکشی ابرهه و آوردن پیلان برای درهم‌کوبیدن کعبه تلقی کرده‌است که این دو کار مستلزم شکستن حرمت این دو معبد و مکان مقدس بوده‌است.

در جایی دیگر که سخن از آلودگی‌های نفسانی و لزوم پاک شدن از آن‌ها است ظاهراً با اشاره به همین واقعه تاریخی، خاقانی خوک را مایه آلوده شدن مکان مقدس و پاک مسجد اقصی (محراب) می‌داند:

خبث ما را بارگاه قدس دور افکند از آنک      خوک را محراب اقصی برنتابد بیش از این  
(همان: ۳۴۹)

که نباید آن را تاب آورد و باید در رفع آلودگی آن کوشید.<sup>۱</sup>  
در جای دیگر خاقانی این کار را از سوی دشمنان متجاوز تلقی می‌کند:  
چه خصم بر نواحی ملکش کند گذر      چه خوک دم به مسجد اقصی برافکند  
(همان: ۱۴۶)

و در جایی دیگر تلویحاً این دشمنان را پیروان مسیح قلمداد می‌کند:  
تن چون رسد به خدمت کی زبید از مسیح      کو خوک را به مسجد اقصی رها کند؟  
(همان: ۶۰۱)

خاقانی در منشآتش نیز به این دو واقعه مسجدالحرام و مسجدالاقصی اشاره‌ای کرده‌است: "چه آرایش گلخندان زشت به آرایش گلشنیان بهشت ضمّ نتوان کرد و پیل را در مسجدالحرام و خوک را در مسجد اقصی ره نتوان داد." (خاقانی، ۱۳۴۹: ۳۴۲)  
اشاره به هویت دشمنان یا متجاوزانی که حرمت بیت‌المقدس را شکسته‌اند و آن را اشغال کرده‌اند در شعر سوزنی سمرقندی نیز آمده‌است:

بیت‌المقدس است دل تو به نور دین      وه تا نه خوکخانه کند کافر فرنگ  
(سوزنی، ۱۳۳۸: ۲۳۴)

کافر دانستن فرنگ از سوی سوزنی یا مسلمانان هم‌روزگارش منافاتی با مسیحی انگاشتن فرنگیان ندارد که در آن روزگار مسلمانان و مسیحیان در جنگ‌های صلیبی در مقابل هم قرار گرفته بودند و البته که در عرف عام مسلمانان نیز پیروان ادیان دیگر عادتاً

کافر به شمار می آمدند. مولوی نیز در دو جا از غزلیات شمس این حرمت شکنان را فرنگ و افرنگ می نامد:

در قدس دلت چو خوک دیدی      ملک قدست فرنگ دارد

(مولوی، ۱۳۶۳: ۱۹/۲)

بیت القدس اگر شد ز افرنگ پر ز خوکان      بدنام کی شد آخر آن مسجد مقدس؟!

(همان: ۸۰/۳)

شارحان دیوان خاقانی در شرح این ابیات به راه‌های گوناگونی رفته‌اند. در شروح قدما که عموماً اثر شارحان هندی است مطالب مشابهی دیده می‌شود. یکی از ایشان آورده است: "در جاهلیت ترسایی خوکان می‌چرانید و آن خوکان را در بیت المقدس می‌داشت چون چندی گذشت مهتر عیسی ع مبعوث شد و آن ترسا زجر کرد و خوکان را از بیت المقدس بیرون کرد و معبد اهل اسلام ساخت." (شرح خاقانی نسخه شماره ۵۵۰۷ دانشگاه تهران، تصویر ۰۱۴۲، (شماره صفحه ندارد) که در تصویر ۰۱۶۲ نیز تکرار شده است. نسخه‌های متعدد دیگری نیز کم و بیش همین مطالب را نوشته‌اند.<sup>۲</sup>

بی‌دقتی و بی‌توجهی به مسائل تاریخی و فرهنگی و... از ویژگی‌های شروح هندی است. در همین دو سطر نقل شده از شرح مذکور دیده می‌شود که از اصطلاحات جاهلیت و ترسا و اهل اسلام با تسامح استفاده شده است. جاهلیت اصطلاحی است مربوط به پیش از بعثت رسول الله (ص) و ترسا عنوانی است برای پیروان حضرت مسیح که این جا به کسانی که پیش از بعثت مسیح می‌زیسته‌اند اطلاق شده و اهل اسلام هم به پیروان محمد بن عبدالله (ص) گفته می‌شود که شارح بر پیروان عیسی مسیح اطلاق کرده است. البته این سومی را می‌شود به گونه‌ای پذیرفت که ناشی از تلقی اسلامی از دین و اسلام است که دین همه پیامبران را یکی می‌داند و البته آن اسلام است.

شارحان معاصر نیز بعضاً تحت تأثیر اطلاعات و تحلیل‌های شروح هندی بوده‌اند. دکتر امامی در نقد رخسار صبح شرح گزیده دیوان خاقانی با عنوان "رخسار صبح در آینه" در توضیح بیت

چه خصم بر نواحی ملکش گذر کند      چه خوک دم به مسجد اقضا برافکند

با استناد به بیت

خبث ما را بارگاه قدس دور افکند از آنک      خوک را محراب اقصی برنتابد بیش از این

تأکید کرده‌اند که "واقعه مورد اشاره، یعنی بسته شدن خوک در اماکن مقدس اسلامی در شهر بیت المقدس به وسیله صلیبیون، در روزگار خاقانی امری مشهور بوده‌است. اضافه می‌شود که بیت المقدس، مطابق آنچه حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده نوشته‌است، در سال ۴۹۲ هـ ق به تصرف فرنگان درآمد و صلاح الدین ایوبی در سال ۵۸۵ آن شهر را از دست ایشان خارج ساخت و طبیعی می‌نماید که حوادث مربوط به اشغال بیت المقدس در شعر خاقانی، که تقریباً معاصر صلیبیون بوده، انعکاس پیدا کرده‌باشد." (امامی، ۱۳۶۹: ۴۱)

البته آقای دکتر امامی از این که این "امر مشهور در روزگار خاقانی" مستند به چیست چیزی نگفته‌اند. این عبارت که "طبیعی می‌نماید..." نیز متأسفانه خواننده را مجاب نمی‌کند که این حوادث را مربوط به اشغال بیت المقدس بدانند و دلیلش هم آن باشد که "خاقانی تقریباً معاصر صلیبیون بوده‌است".

ایشان بعدها در کتاب *ارمغان صبح برگزیده قصاید خاقانی شروانی* در شرح بیت "با قطار خوک..." آورده‌اند: "مصراع اول توجه دارد به ماجرای جنگ‌های صلیبی و نگهداشتن خوک در اماکن متبرکه بیت المقدس" و به همین مقاله‌شان در مجله نشر دانش ارجاع داده‌اند. (امامی، ۱۳۷۵: ۱۲۶)

خانم دکتر معصومه معدن‌کن در کتاب *بزم دیرینه عروس* که شرح گزیده دیوان خاقانی است؛ در شرح بیت با قطار خوک... آورده‌اند: "قطار خوک" کنایه از هواهای نفسانی به مناسبت پلیدی و کثیفی و توالی و در پی هم آمدن هواهای نفس. بیت المقدس "کنایه از مقام وحدت و معرفت و عزلت." (معدن‌کن، ۱۳۷۲: ۱۵۰) دکتر معدن‌کن در اثر بعدی خود *نگاهی به دنیای خاقانی* در شرح همین بیت آورده‌اند: "اشاره دارد به جنگ‌های صلیبی و رفتن ترسایان با خوک‌های خود به بیت المقدس" (معدن‌کن، ۱۳۷۸: ۷۰۸/۳) از این عبارت لازم می‌آید که: ترسایان با خود خوک همراه دارند و اگر به جایی بروند، خوک‌هاشان را همراه خود می‌برند و این اتفاقی است که لابد در جنگ‌های صلیبی هم افتاده‌است و هیچ نیازی به قرینه و سندی ندارد! این که صلیبی‌ها یعنی فرنگان در لشکرکشی، با خود گله‌های خوک به بیت المقدس آورده باشند جای تأمل دارد و این را البته باید در تاریخ جست که آیا وقایعی مشابه آن ثبت شده‌است؟ همراه داشتن گله‌های چارپایان - لابد برای تغذیه لشکر - معقول به نظر نمی‌رسد. تاریخ پر است از اطلاعاتی که گویای چپاول و غارت لشکریانی است که از منطقه‌ای عبور می‌کنند و این گذر در مناطق خودی قحطی می‌آورده‌است چه

برسد به سرزمین دشمن که اساساً به همین منظور به آنجا حمله می کرده‌اند. همراه داشتن گله‌های چارپا تضاد بینی با چالاکي و چابکی لازمه لشکر و حرکت سریع آن نیز دارد.

دکتر مهدی ماحوزی در شرح خود بر گزیده دیوان خاقانی "قطار خوک" در بیت مورد بحث را ظاهراً تحت تأثیر تلقی خانم دکتر معدن‌کن، کنایتی از ردائل نفسانی و صفات ذمیمه گرفته‌اند و اصلاً وارد مباحث تاریخی نشده‌اند. (ماحوزی، ۱۳۷۷: ۱۴۸)

دکتر کزازی در گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی نوشته‌اند: "با قطار خوک گام در بیت المقدس نهادن. چنان می‌نماید که این چشمزد به تازش تیتوس پور و سپازیان، امپراتور روم که به سال هفتاد میلادی به بیت المقدس در تاخت و آنرا به تاراج برد و در آتش سوخت، باز می‌گردد." (کزازی، ۱۳۷۸: ۳)

دکتر کزازی نیز از عبارت "چنان می‌نماید" استفاده کرده‌اند که یعنی هیچ سندی برای مربوط کردن بیت به تاخت و تاز امپراتور روم در سال هفتاد میلادی ندارند و علاوه بر آن در استناد ایشان، صرفاً تاخت و تاز و به تاراج بردن و سوزاندن بیت المقدس به تیتوس و سپاسیانوس نسبت داده شده و نه قطار خوک را به آنجا بردن.

دکتر محمدرضا برزگر خالقی در شرح دیوان خاقانی در توضیح این بیت آورده‌اند: "مصراع اول اشاره است به ماجرای جنگ‌های صلیبی و نگه داشتن خوک در اماکن متبرکه بیت المقدس." و سپس پنج سطر منقول از مقاله دکتر امامی در نشر دانش را آورده‌اند و به آن ارجاع داده‌اند. (برزگر خالقی، ۱۳۸۷: ۳۹/۱)

دکتر محمد استعلامی در نقد و شرح قصاید خاقانی بر اساس تقریرات استاد فروزانفر در شرح ابیات مورد نظر ما نظر کاملاً متفاوتی عرضه کرده‌اند. ایشان در شرح بیت "با قطار خوک..." آورده‌اند: "روایتی نه چندان معتبر در تاریخ‌ها آمده که پس از حمله بخت‌النصر، دیری در حرم قدس خوک‌داری برپا شده بود (!)". (استعلامی، ۱۳۸۷: ۷۲/۱) و در شرح بیت "خود قطار خوک..." آورده‌اند: "و "خوک در بیت المقدس" هم اشاره به روایتی است که پس از حمله بخت نصر (نبوکد نذر) به بیت المقدس در حرم قدس، خوک پرورش می‌داده‌اند. (همان: ۱۴۵) و نیز در شرح بیت "چه خوک دم به..." آورده‌اند: "آمدن دشمن به این ولایات مثل بودن خوک در جای مقدس است و نظر به روایتی است که پس از غلبه بخت نصر بر قوم یهود یا در روزگار جاهلیت، معبد بیت المقدس به خوک‌بانی تبدیل شده بود، و خاقانی به این روایت - که سند روشنی هم ندارد - مکرراً اشاره می‌کند. (همان: ۴۹۲) ایشان در شرح "خوک را محراب اقصی برنتابد بیش از این" نیز آورده‌اند: "در بیت

۱۷ هم خوک خاقانی و بارگاه اخستان محراب مسجدالاقصی در اورشلیم است و اشاره‌ی هم به روایتی دارد که پس از حمله سپاه بُخت‌النصر، در بیت‌المقدس خوک می‌پرورده‌اند." (همان: ۱۰۶۲/۲)

در این شرح سخنی از صلیبی‌ها و فرنگان و ترسایان نرفته و آوردن خوک به بیت‌المقدس را به آنان نسبت نداده‌است. می‌دانیم که جنگ‌های صلیبی جنگ‌های مذهبی بوده‌است و مسلمانان و مسیحیان آن‌جا را به‌عنوان مکان‌های مقدس خود می‌دانسته‌اند و می‌خواستند از سلطه دیگری خارج کنند. علاوه بر آن - لاقلاً از اواسط قرن چهارم میلادی - بیت‌المقدس و اماکن مقدس اورشلیم مکان‌های مقدسی بوده‌است که همانند کعبه حاجیان مسیحی حج‌شان را در آن اماکن برگزار می‌کرده‌اند. "بَعْدَ قِيَامِ الْإِمْبْرَاطُورِيَّةِ الْبِيزَنْطِيَّةِ الْمَسِيحِيَّةِ تَغَيَّرَ الْوَضْعُ بِالنِّسْبَةِ لِأُورُشَلِيمَ وَأَصْبَحَتْ أَوَّلُ الْمُدُنِ الَّتِي يَقْصُدُهَا الْحُجَّاجُ لِزِيَارَةِ الْأَمَاكِنِ الْمُقَدَّسَةِ. وَعَمِلَ الْإِمْبْرَاطُورُ قَسْطَنْطِينُ وَخُلَفَاؤُهُ عَلَى تَرْمِيمِ وَتَجْمِيلِ الْمَوَاقِعِ الْمُرْتَبِطَةِ بِذِكْرِ الْمَسِيحِ وَتَشْيِيدِ أَوَّلِ كَنِيسَةِ مَكَانِ الْقَبْرِ الْمُقَدَّسِ. وَقَدْ أَضَافَ عَلَيْهَا يَوْسْتِينْيَانُوسَ كَاتَدْرَائِيَّةً وَمَسَاكِينَ لِأَيَّامِ الْحُجَّاجِ."<sup>۳</sup> (عبودی، ۱۹۹۱: ۱۵۵) (و ← مقاله‌ای از ونسینک در دایرة‌المعارف اسلامی، ۳۰۴/۷)

بنابراین هیچ دلیلی برای این که مسیحیان، بیت‌المقدس را خوکدانی کنند وجود نداشته‌است و این تعبیر اساساً بی‌پایه را به احتمال زیاد باید فرماندهان و حاکمان بلاد مسلمین برای ایجاد انگیزه در جنگجویان مسلمان برای شرکت در جهاد با صلیبی‌ها ساخته‌باشند. نسبت دادن این واقعه (البته بدون سند و بنا بر روایتی نامعتبر) به نبوکد نصر یا همان بخت‌النصر البته چنین اشکالی در پی ندارد زیرا وی پیش از مسیح می‌زیسته، بر آیین یهود نیز نبوده بل که دشمن یهودیان بوده‌است.

نکته‌ای که در شرح دکتر استعلامی قابل تأمل است این است که خاقانی هیچ‌جا اشاره‌ای به خوکدانی شدن بیت‌المقدس نکرده‌است که ایشان بر آن تأکید کرده‌اند. در ابیات خاقانی صرفاً به آوردن قطار خوک به بیت‌المقدس یا رها شدن خوک در آن‌جا اشاره شده‌است. حمله نبوکد نصر به بیت‌المقدس و اشاره تلویحی به این که وی خوکان را به آن مکان مقدس برده‌است در *بهجة المجالس* آمده‌است:

جاء بُخْتُ نَصْرٍ، فَقَسِمَ مَا جَاءَ بِهِ فِي النَّاسِ، فَقَالُوا: مَا رَأَيْنَا أَحَقَّ بِالْمَلِكِ مِنْ هَذَا؟ فَمَلَكُوهُ. فَلَمَّا ضَرَبَ لَهُ مَلِكُهُ بَجْرَانَهُ ... فغزا الشام، فذلک حین قتل، وخرّب بیت المقدس

وانتزع حلیته وحملها، وجعل یشرب فیها الخمر وخوانا یاکل علیها الخنازیر، وحمل التوراء معه ثم ألقاها فی النار. <sup>۴</sup> (قرطبی، ۱۹۸۱: ۱۶۴)

چنان‌که ملاحظه می‌شود تمام اتفاقی که افتاده این‌است که خوک را به بیت‌المقدس که مکان مقدسی برای یهودیان و بعدها مسیحیان و مسلمانان نیز بوده‌است آورده‌اند و در آن مکان مقدس با گوشت خوک غذا تهیه کرده و خورده‌اند.

## ۲. نتیجه‌گیری

اشاره به واقعیات تاریخی مشهور یا ناشناخته در متون ادبی فراوان است و یافتن مآخذ این حوادث تاریخی تا آن‌جا که در توان شارحان است وظیفه ایشان است. از آن مهم‌تر این‌است که اگر به هر دلیل، برای حکایات تاریخی مأخذی یافت نشد شارح باید دقت به خرج دهد و از طرح حدس و گمان‌های نابجا و نامعقول پرهیز کند تا اگر کمکی به خواننده در فهم مطلب نشود لاقلاً گمراهش نیز نکند. در این مقاله دیدیم که نسبت دادن آوردن خوک به بیت‌المقدس به فرنگان / مسیحیان بی‌اساس است هرچند که شاعران دیگری به آن اشاره کرده‌باشند و بنا بر اشاره قرطبی، قطار خوک یادشده در ابیات خاقانی را نبوکدنصر / بخت‌النصر به بیت‌المقدس آورده و به این مکان مقدس بی‌احترامی کرده بوده‌است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در دیوان منسوب به حلاج نیز بیتی آمده که حاوی همین مضمون است: سودای آرزو به در آرم ز قصر دل خوک سیه ز مسجد اقصی بر آورم
۲. شرح مختصر خاقانی، نسخه‌ی مجلس با شماره ۹۲۸۲ گ ۹۷؛ شرح دیوان خاقانی، نسخه‌ی ۳۱/ج ادبیات دانشگاه تهران، (شماره صفحه ندارد)، تصویر ۰۰۰۹۰ و ۰۰۲۴۶؛ شرح خاقانی نسخه‌ی شماره ۳۰۸۰ کتابخانه‌ی دولت علیه ایران، گ ۲۳۸ و ۲۳۹؛ شرح خاقانی نسخه‌ی شماره ۷۹۶۴ دانشگاه تهران، گ ۲۹۵ پ و ۲۹۶؛ شرح خاقانی نسخه‌ی شماره ۱۸۰ مجلس ص ۱۴۴ و ص ۴۰۴؛ یادآوری این نکته لازم است که در نسخه‌های شرح عبدالوهاب حسینی بر دیوان خاقانی هیچ شرح و توضیحی درباره‌ی ابیات مورد نظر ما نیامده است. رساله‌ی دکتری آقای دکتر محمدحسین کرمی نیز دیده شد که تصحیح شرح مذکور است.



۳. پس از برپاشدن امپراتوری مسیحی روم شرقی، موقعیت بیت‌المقدس تغییر کرد و این شهر به اولین شهر زیارتی تبدیل شد که حجاج به آن روی می آوردند. امپراتور کنستانتین و جانشینانش به بازسازی و زیباسازی مکان‌هایی که به مسیح مربوط می‌شد پرداختند و کلیسای قبر مقدس را نیز بازسازی کردند. یوستینیانوس کلیسای جامع و خانه‌هایی برای اقامت حجاج بر آن‌ها افزود.

۴. بخت‌النصر آمد و آنچه آورده بود بین مردم تقسیم کرد. گفتند: ما کسی شایسته تر از این برای پادشاهی نمی‌شناسیم و او را پادشاه خود کردند. چون حکومتش مستقر شد... به شام حمله کرد و مردمان را کشت و بیت‌المقدس را خراب کرد و غارت کرد و در آن به شراب‌خواری پرداخت و سفره‌ای (پهن کرد) و بر آن سفره گوشت خوک خورد و تورات را با خود برد و در آتش انداخت.

## کتاب‌نامه

استعلامی، محمد (۱۳۸۷). نقد و شرح قصاید خاقانی بر اساس تقریرات استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، ج ۲، تهران: زوار.

امامی، نصرالله (۱۳۶۹). «رخسار صبح در آینه»، نشر دانش، س ۱۰، ش ۳، صص ۳۸-۴۲.

امامی، نصرالله (۱۳۷۵). ارمان صبح: گزیده قصاید خاقانی شروانی، تهران: جامی.

برزگر خالقی، محمدرضا (۱۳۸۷). شرح دیوان خاقانی همراه با مقدمه، تلفظ واژه‌های دشوار، درست‌خوانی، زیباشناسی و شرح ابیات، تهران: زوار.

خاقانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۴۹). منشآت خاقانی، تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.

خاقانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۵۷). دیوان خاقانی شروانی، به تصحیح و تحشیه و تعلیقات علی عبدالرسولی، ج ۲، تهران: کتابخانه خیام.

سوزنی، م. م. (۱۳۳۸). دیوان حکیم سوزنی سمرقندی، به تصحیح ناصرالدین شاه حسینی نوری، تهران: امیرکبیر.

شرح خاقانی (بی تا). نسخه شماره ۵۵۰۷ دانشگاه تهران.

عبودی، هنری. س. (۱۹۹۱). معجم الحضارات السامیه، ج ۲، طرابلس: جروس برس.

قرطبی، ابن عبدالبر (۱۹۸۱). بهجۀ المَجالسِ وأنس المَجالسِ وشحد الذاهن والهاجس، تصحیح محمدمرسی خولی، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۸). دیوان خاقانی شروانی، گزارش دشواریها، تهران: نشر مرکز.

ماحوزی، مهدی (۱۳۷۷). آتش اندر چنگ: گزیده‌ای از دیوان خاقانی شروانی، تهران: سخن.

۱۰ یک نکته تاریخی در شعر خاقانی

مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۶۳). کلیات شمس یا دیوان کبیر: مشتمل بر قصائد و غزلیات و مقطعات فارسی و عربی و ترجیعات و ملمعات، ج ۲ و ۳، چ ۳، تهران: امیرکبیر.

معدن کن، معصومه (۱۳۷۲). بزم دیرینه عروس: شرح پانزده قصیده از دیوان خاقانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

معدن کن، معصومه (۱۳۷۸). نگاهی به دنیای خاقانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

